

دکتر امیر اکبری

استادیار گروه تاریخ
دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

تأملی بر جایگاه علمی و فرهنگی دانشگاه گندی شاپور

چکیده:

علاوه بر تحولات سیاسی در عصر ساسانیان، وضوح پیشرفتهای خاص علمی و فرهنگی نیز در این روزگار چشمگیر بوده است. اقدامات پادشاهان ساسانی و نقش آنها در ترجمه کتاب یونانی و هندی به زبان پهلوی، نگرش ایرانیان را نسبت به علم و دانش دچار تحول کرد. و در این میان گندی شاپور به عنوان مرکز بزرگ علمی و دانشگاهی معتبر از جایگاه والایی برخوردار گشت. بنای این شهر را به عصر شاپور اول و اوج گسترش فرهنگی آن را به دوران حکومت خسروانشیروان مربوط می دانند. پیشرفتهای علمی این دانشگاه در زمینه طب، نجوم و ریاضی آوازه آن را جهاین کرده بود و گندی شاپور مرکز تلاقی اندیشه‌های علمی جهان باستان به شمار می‌رفت. نگرشهای علمی هندوان، یونانیان، اسکندریان و علمای یونانی به زبان بادانش ایرانی در هم آمیختند و بر آیند این تحول علمی چون درخت تناوری شد که در دوران اسلامی به بار نشست و پایه‌های عظیم نجوم و بالاخص طب اسلامی را پدید آورد. پیدایی بیت الحکمه و کتابخانه مهم آن خزنه‌الحکمه، ضرورت اقدام در ترجمه اثار و به واقع پیدایی نهضت ترجمه، رونق و گسترش مراکز پزشکی و بیمارستانها در بغداد از جمله عوامل تأثیر گذار گندی شاپور بر نهضت علمی و فرهنگی مسمانان بود. دانشگاه گندی شاپور که چندین قرن پس از اسلام نیز به حیات خود ادامه داد، در واقع عامل انتقال مؤسسات تمدنی و فرهنگی دنیای قدیم به عصر اسلامی شد.

کلید واژه‌ها

دانشگاه، گندی شاپور، نجوم، فلسفه، پزشکی، علوم، فرهنگ و تمدن، ساسانیان

سابقه علمی گندی شاپور

اهمیت سیاسی و اقتصادی گندی شاپور

ظهور دولت ساسانی در 224 میلادی به دست اردشیر بابکان با برقراری نظام سیاسی قوی و رسمیت یافتن دین زرتشت توأم بود. اردشیر بابکان به دنبال این تحول سیاسی مذهبی دستور داد تا کتب یونانی و هندی را به پهلوی برگردانند. 1 این امر در راه اندازی دانشگاه گندی شاپور اثری به سزا داشت. گندی شاپور به عنوان بزرگترین مرکز علمی - فرهنگی دوره ساسانی و در نتیجه توجه ایرانیان به علوم مختلف، به صورت دانشگاهی بزرگی در عصر خود از اعتبار و ارزش وافر برخوردار گشت. این دانشگاه اگر چه به تأسی از مراکز علمی - فرهنگی پیشین تشکیل شده بود ولی از جهات متعدد دارای تشکیلات و فعالیتهای گسترده تر بود.

در مورد بنای این شهر نظریه های متفاوت وجود دارد ولی بیشتر منابع ساخت آن را به شاپور اول ساسانی (241-271 م) نسبت می دهند. 2 موسی خورنی از این شهر به نام «وه انتیوک شاپور» که همان بیت لاپات *beith lapat* و مطران نشین خوزستان بود یاد کرده است. 3 شاهپور اول در سال 259 م با امپراطور روم درگیر شد و در نتیجه این جنگ شصت هزار سپاه رومی مغلوب شده و شهرهای مهم دورا نئورپوس و انطاکیه به تصرف شاپور درآمد. 4 پنج نقش برجسته عظیم به جای مانده از شاپور اول نتایج پیروزی وی را مجسم می کند و شرح این پیروزی ها را در کتیبه معروف کعبه زرتشت خود آورده است. 5 شاپور با این اسرای بسیار که در میان آنها مهندسین و صنعتگران مختلف بودند در مسیر اهواز به موضع گندی شاپور رسید، نراهت و وسعت آن مکان او را در تعجب آورد. اثری بنا کرد و گندی شاپور نام نهاد و اسیران روم را در آنجا متوطن گردانید. 6 همچنین در علت بنای آن آورده اند شاپور در لشکر کشی به روم مجذوب انطاکیه به عنوان زیباترین شهر سوریه گردید. وی بر آن شد تا شهری بهتر از انطاکیه بسازد و در محل بیت لاپات

باستانی، میان شوشتر و دزفول شهر «به از اندیو شاپور» که معنی آن «به از انطاکیه» باشد را بنا کرد. 7

قرار گرفتن گندی شاپور در مسیر شهرهای بزرگ و اسکان جمعیت‌های گسترده در ترقی این شهر سهمی به سزا داشته است. ساسانیان که بنیان شهرهای بزرگ به شمار می‌رفتند 8 به موازات پیدایی و گسترش این شهرها، سازمان یافتن کار پیشه‌وران و صنعتگران و رونق کارگاهها از ویژگیهای شهرها، از جمله شهر گندی شاپور گردید. مأخذ سریانی از شرایط رضایت بخش اسرای رومی در این شهر یاد کرده‌اند. 9 پیشرفت و گسترش این شهر آن را به عنوان یکی از ثروتمندترین شهرهای ایران در آورده 10 و جزء شهرهای بزرگ دولت ساسانی به حساب می‌آمد. آویختن بدن پوست کنده مانی (که به تحریک کدتیر و نوسط بهرام اول در 276 م اعدام شده بود) به یکی از دروازه‌های شهر جدی شاپور می‌تواند دلیلی بر آشنایی مردم این شهر با افکار و اندیشه‌های مانوی باشد. 11 در اهمیت و موقعیت شهر همان بس که به روایت مسعودی «همه شاهان ساسانی تا این پادشاه یعنی هرمز پسر نرسی در گندی شاپور خوزستان اقامت داشتند» 12

در زمان شاپور دوم (309-379م) برای مدتی این شهر به عنوان مرکز دولت ساسانی در خوزستان مورد توجه قرار گرفت. 13 بعد از ساخت تیسفون اگر چه گندی شاپور مرکزیت سیاسی خود را از دست داد اما از نظر اقتصادی تا ظهور اسلام و از جهت فرهنگی تا قرن‌ها بعد از آن اعتبار خود را محفوظ نگاه داشت. 14 در نقش اقتصادی این شهر پیگولوسکایا توضیحات بسیاری پیرامون کار پیشه‌وران، کارگاههای بافندگی، اصناف شهری و موقعیت اقتصادی شهرهای ایران از جمله گندی شاپور آورده است. 15 روایت مسعودی در زمان شاپور به دیار جزیره آمد و به دیگر دیار روم حمله برد و مردم بسیار از آنجا بیاورد و در شوش و شوشتر و دیگر شهرهای ولایت اهواز اقامت داد. و از آن هنگام به شوشتر دیبای شوشتری و انواع حریر و به شوش خز و به دیار نصیبین پرده و فرش بافتند و معمول شد که هنوز هم هست. 16»

پیشینه فرهنگی و اعتبار علمی گندی شاپور

آن چه که بیش از همه بر رونق و اعتبار شهر گندی شاپور در ادورا قبل و بعد از اسلام افزوده است، نقش و موقعیت فرهنگی این شهر است. در واقع وجود یک چنین زمینه‌های فرهنگی، عاملی در پیدایی دانشگاه بزرگ این شهر گشت تا آنجا که دانشگاه گندی شاپور به عنوانی کی مکتب علمی نه تنها در عصر خود قابل اعتبار و ارزش بود بلکه تا قرن دوم هجری / هشتم میلادی نیز ایده‌ها و اندیشه‌های فکری صاحبان مکتب گندی شاپور در جهان اسلام نافذ بود.

اگر چه گندی شاپور مهمترین تحولات فرهنگی خود را از عصر خسروانوشیروان به همراه داشته است اما به طور حتم زمینه‌های برقراری موقعیت فرهنگی این شهر از مدت‌ها قبل آماده شده بد. ابن قفطی در تاریخ الحکمای خود آورده است که شاپور پس از تصرف انطاکیه و صلح با قیصر روم از دختر وی خواستگاری کرد و برای آن دختر شهر گندی شاپور را بساخت. 17 وی از هر صنفی چند نفر با خود همراه نمود، از جمله پزشکانی که وجود آنان سبب رونق دانش پزشکی شد. 18

گندی شاپور به جهت رشد اقتصادی سیاسی از همان آغاز مرکزیتی علمی یافت چرا که «شاپور فرمان داد کتب یونانی به پهلوی ترجمه شود و آنها را در شهر مذکور گردآورند و گویا به فرمان شاپور گندی‌شاپور مرکز طب یونانی یافته بود.» 19

برخی معتقدند که دانشگاه گندی شاپور در عصر شاپور اول در سرزمین گندی شاپور در خوزستان تأسیس شد و از همان وقت مرکز تحقیقات پزشکی شد. 20 به تناسب رشد اقتصادی و اجتماعی رشد فرهنگی در این شهر مشهور بود. انتخاب این شهر به عنوان پایتخت هر چند برای مدت کوتاه توسط شاپور دوم بر اعتبار علمی این شهر افزود تا آنجا که وی تیادروس طبیب مسیحی را به این شهر فرا خواند 21 و شهرت طبابت وی آنچنان معروف گشت که ابن‌الندیم کتابی به نام «کنایس تیادروس» را از آن او دانسته است. 22 بر این اساس در حدود سده سوم میلادی در بخشی از سرزمین ایران هسته‌ای فرهنگی شکل گرفت و در آن از آمیزش و اختلاط‌های گوناگون، سنتی نو پدید آمد که آن

را «مکتب علمی گندی شاپور» می‌توان نامید. 23 گسترش و ترقی فعالیت‌های علمی گندی شاپور تا حدی مرهون میراث دانش اسکندریه، انطاکیه، یونان، ایران و روم است. تلفیق و انتقال دانش این مراکز علمی آمیزه‌ای به نام طب گندی شاپور در این مرکز به وجود آورده بود. از مراکز علمی مهم این دوران می‌توان حوزه علمی اسکندریه را نام برد که جریان‌های فرکی متعدد آن حاصل امتزاج اندیشه‌های ملت‌های مختلف بود و تا زمان ظهور اسلام این مراکز برپا بود. مدرسه آتن با توجه به حیات نسبتاً طولانی خود در سال 528 م توسط ژوستی نین امپراتور روم تعطیل شد و گروهی از فلاسفه آن به دربار خسرو انوشیروان پناهنده شدند. آنها در گسترش فلسفه مرکز گندی شاپور سهمی به سزا داشتند. مهمترین مراکز علمی که در ایران عصر ساسانی و نیز دوره اسلامی حائز نقش والاتری بود، مراکز علمی سریانی بود که به اقتضای نامشان در سوریه قرار داشتند. از شهرهای معروف آنها شهر رها و نصیبین را می‌توان نام برد که در جنگ‌های مکرر ایران و روم در عصر ساسانی دست به دست می‌گشتند و از نظر علمی اعتبار بیشتری یافتند. در حدود قرن چهارم میلادی مدرسه‌ای به نام دبستان ایرانیان در شهر رها تشکیل گردید که به مکتب ایرانیان اشتهار یافت. مکتب علمی این مدرسه با ظهور شخصی به نام نسطوریوس رونق کامل یافت. در سال 428 میلادی در آئین مسیح انشقاقی به وسیله نسطوریوس به طریق قسطنطیه به وجود آمد.

که در نتیجه آن در سال 431 میلادی نسطوریوس تکفیر شد ولی پیروانش به او وفادار ماندند. مدرسه رها نظرات نسطوریوس را تأیید کرد. اما این حمایت منجر به تعطیلی این مدرسه توسط امپراتور روم گشت. برسوما مطران نصیبین در آن شهر ماند و مدرسه نسطوری به سرپرستی یک ایرانی در «شهر بر پا شد. به این ترتیب سنت‌ها فرهنگی یونانی از مکتب رها به مدرسه نصیبین منتقل گشت و مذهب نسطوری به دست برسوما رنگ ایرانی و صورتی شرقی پیدا کرد و مدرسه آنها نیز عمده‌تاً مدرسه‌ای ایرانی بود. بسیاری از نسطوریان دیگر به خاک ایران روی آوردند و مراکز مذهبی خود را در تیسفون برپا کردند و نیز توانستند در ایران و سرزمین‌های متصرفی ایران به نشر علوم بپردازند که بزرگترین

نتیجه آن رونق و گسترش علمی گندی شاپور و انتقال علوم به این مرکز بود که به عنوان یک مکتب علمی دارای نفوذ و اهمیت بسیار گردید. نسطوریان که به جهت انشعاب از مسیحیت در مرزهای ایران و در ناحیه سوریه مستقر شده بودند در ترجمه آثار یونانی به سریانی بسیار تلاش کردند. فعالیت عمده مترجمان بزرگ عهد مأمون عباسی در بیت الحکمه صرف ترجمه همین آثار سریانی شد که توسط نسطوریان در باب علوم یونانی نگاشته شده بودند. 24

به رغم تمام رونق فرهنگی پیشین نام دانشگاه گندی شاپور و پیشرفتهای علمی، فرهنگی آن با نام و وقایع عصر خسرو انوشیروان (531-579م) پیوند خورده چنان که نمی‌توان شکوفایی دیگری را جزء عصر نهضت فرهنگی انوشیروان برای پیشرفتهای علمی این شهر و دانشگاه گندی شاپور بیابیم. تحول بزرگ ادبی و فلسفی ایران با حکومت خسرو انوشیروان آغاز می‌شود. وی علاقه زیادی به علم و دانش از خود نشان می‌داد و سعی در گردآوردن دانشمندان و پزشکان لایق به دربار خود داشت. او در آغاز می‌خواست دارالعلمی مانند دارالعلم اسکندریه ایجاد کند و به این سبب دانشگاه گندی شاپور را به راه انداخت. 25 در آن مدرسه فلسفه، طب، نیز بیمارستان وجود داشت که مریضان برای مداوا به آنجا می‌آوردند. 26

از زمان خسرو انوشیروان که گندی شاپور رسماً تأسیس شده بود تا سه سده بعد که به حیات خویش به عنوان یک مرکز علمی بالاخص در مکتب طبابت ادامه داد. دانشمندان سریانی زبان ایرانی و علمای هندی و زرتشتی در آنجا مشغول خدمت بودند و این دانشگاه از تجارب ملل مختلف چون طب هندوستان، یونانیان، اسکندریان، و سریانیان و ایرانیان بهره می‌گرفت و از این آمیزه طبی به نام طب گندی شاپور به وجود آمد که از طب یونانی کاملتر بود. 27

توجه انوشیروان به علم دوستی سبب شد تا در کار جمع‌آوری کتب تعلیمی و ادبی حتی از بلاد هند اهتمام ورزند و از دانش و حکمت آنها نیز بهره گیرند. همین سبب شد تا برزویه طبیب به ریاست هیأتی از پزشکان ایرانی به هندوستان اعزام شود وی که سمت «ایران

درست بد» یعنی رئیس گروه پزشکان ایران و گندی شاپور را بر عهده داشت برای آگاهی از طب هندی و آثار آنان بهاین سرزمین عزیمت کرد. فردوسی می‌نویسد:

پزشکی سراینده بر زوی بود
 به نیرو رسیده سخنگوی بود
 زهر دانشی داشتی بهره‌ای
 به هر بهره‌ای در جهان شهره‌ای
 چو برزوی بنهاد سر سوی کوه
 برفتند با او پزشکان گروه 28

توجه به اندوخته‌های علمی ملل دیگر اگر چه از عهد اردشیر وجود داشت اما این توجه در زمان انوشیروان بیشتر گردید. او خود به طب علاقه مند بوده و از پزشکان هندی نیز برای تعلیم طب دعوت می‌کرد. 29

در مقدمه کلیله و دمنه که برزویه طبیب با خود از هند آورده بود به این علاقه اشاره شده است. در اهمیت این سفر و آوردن آثار علمی از هند همان بس که «انوشیروان بهافتخار برزویه طبیب و به شادی آوردن کلیله و دمنه جشن گرفت، شعرا و خطبای مملکت خود را فرمود تا در جشن حاضر شوند و هر کدام به مناسبت آن روز چیزی بسازند.» 30

بدو گفت شاه‌ای پسندیده مرد
 کلیله روان مرا زنده کرد
 تو اکنون ز گنجور بستان کلید
 ز چیزی که باید بیاید گزید 31

نفوذ طب بقراطی و طب هندی در گندی شاپور اگرچه مسلم و روشن است اما نقش و تأثیر ایرانیان در طبابت آن چنان اهمیت داشت که گروهی معالجات و روش گندی شاپوریان را به اطباء یونان و هند ترجیح می‌دادند. علت این امر آن بود که ایرانیها دانشها را از هر حرفه‌ای فرا گرفته و خود نیز بر آن مطلبی می‌افزودند و کتابهایی مرتب می‌کردند که تمام این محاسن در آنها جمع بود. 32

وجود بیمارستان، مدرسه پزشکی، کتابخانه و نیز رصدخانه و مدارس برای آموزش ریاضی و نجوم، گندی شاپور را به صورت یکی از قدیمی‌ترین دانشکده‌های پزشکی جهان 33 و از هسته‌های فعال علمی جهان باستان درآورده بود. این مرکز آنچه را که خود از علوم مختلف چون نجوم، ریاضی، حکمت، ... از قرون پیشین به میراث برده و کامل ساخته بود در اختیار تمدن اسلامی نهاد.

گندی شاپور به جهانی متعدد نسبت به مدارس هم عصر خود ممتاز بود. مدارس امپراطوری روم مدارس دینی بود و کمتر می توانست به علوم دیگر منحصرأ توجه کند. اگر توجهی نیز به علوم دیگر می شد مسلماً از درجه کمتری برخوردار بود. در مدارس آسیای غربی فقط طب یونانی تدریس می شد و یا در هند فقط طب هندی رایج بود، 34 اما گندی شاپور مرکزی از تلفیق تمام تجارب و پیشرفتهای علم پزشکی بوده است. این امر بر اعتبار علمی آنجا در مقایسه با مدارس دیگر صحنه می گذارد. این مزیت که حداقل آموزشگاه گندی شاپور را در علم پزشکی آن عصر شاخص می کند. سارتن را بر آن داشته تا بر این مرکز عنوان دانشگاه را که مجسم کننده گستردگی فعالیت های علمی آن است بگذرد 35 و یقیناً یکی از کهن ترین دانشگاه های جهان نیز به حساب می آمده است. وجود طبیبان مختلف در این مرکز سبب شده بود تا تدریس ابتدا به زبان یونانی و سپس به زبان پهلوی انجام گیرد. نظرات و عقاید بقراط بیشتر توسط اطباء یونانی تعلیم داده می شد و به جهت تعلیم طب بقراطی این شهر را شهر بقراط نیز نام داده بودند. 36 در طب بقراطی به سه طریق مداوا انجام گرفت: 1- آنچه که به وسیله دوا مداوا می شود. 2- آنچه که به وسیله آهن یا کارد می باید علاج کرد. 3- آنچه که به وسیله آهن معالجه نشود باید به آتش شفا بخشید 37 وجود بخش عمومی، بخش جراحی و بخش پزشکی از دیگر خصوصیات این مرکز بود. کالبد شکافی و تشریح اعضای بدن که غالباً از اجساد محکومان به مرگ استفاده می شد رایج بوده است. وجود کتابخانه ای که بیش از 200 اطاق داشته و کتابهای بسیاری به زبانهای مختلف از دیگر ویژگی های رونق علمی این دانشگاه به حساب می آمد. 38 شاید همین کتابخانه غنی گندی شاپور بود که یزدگرد پس از شکست از اعراب این گنجینه را با خود به خراسان برد و تا قرن دوم هجری کتابخانه بزرگ مرو که مورد استفاده علما بود بیشتر شامل کتابهایی می شد که یزدگرد با خود به خراسان آورده بود. 39 شناخت داروها و تقسیم بندی انواع دواهایی از مؤثرترین و رایج ترین شیوه های مداوای پزشکان بوده است. دارو سازی و گیاه شناسی در این آموزشگاه کاملاً بر اساس تجارب ایرانی و دور از نفوذ طب یونان بود. 40 به نظر ایرانیان طبیب دانا کسب

بود که به دقت امراض را معاینه کند و اعضای بدن در مفاصل را خوب بشناسد. با توجه به آموزشهای بسیار هنگامی که طبیب از عهده امتحانات لازم و سخت بر می‌آمد. به وی اجازه طبابت می‌دادند و اگر در نتیجه مداوای او سه نفر مریض می‌مردند مادام العمر اجازه طبابت را از او سلب می‌کردند 41 این مقررات و تعلیمات دقیق آوازه مرکز را در هر جا پخش کرده بود، چنانکه شاگردانی جهت کسب آموزش از مناطق دیگر به گندی شاپور روی می‌آوردند. هر ساله تعداد زیادی طبیب فارغ‌التحصیل شده در خارج و یا در داخل به طبابت مشغول می‌شدند. نام دو تن از دانش‌آموختگان عرب به نامهای حارث بن کلدہ ثقفی و نصر بن حارث پسرش آمده که حارث پزشک زمان پیامبر (ص) و اولین طبیب عرب می‌باشد که در جمع‌آوری شرح حال پزشکان و حکما دقیق بوده است. 42

روایت ابن قفطی در تاریخ الحکما حکایت از وجود مجالس مباحثه و مناظره در خصوص فن پزشکی و کسب اطلاعات در مورد تجارب آنهاست وی می‌نویسد:

«در سال بیستم از ملک اطبای گندی شاپور به امر ملک جمع شدند میان آنها سؤال و جوابها و مناظره واقع شد و سخن هر کس را ثبت نمودند. و واسطه آن مجلس جبرئیل نام داشت، زیرا که او طبیب خاص کسری بود. و بعد از وی سوفسطائی و اصحاب او دیگر بوحنه و جماعت میان ایشان مسایل بسیار گذشت چنانکه مطالعه کننده آن چون تأمل نماید هر آینه استدلال بر کمال فضل علم ایشان خواهد کرد و پیوسته بر این حال و منوال بودند تا منصور عباسی خلیفه شد.» 43

اقدامات فرهنگی عصر انوشیروان به همراه عشق و علاقه مندی به جمع‌آوری کتب علمی در مجموع گندی شاپور را به عنوان بزرگترین مرکز طبی قبل از اسلام در دنیا قرار داده بود.

جریان دیگری که بر گسترش فعالیت فلسفی دانشگاه گندی شاپور کمک کرد، آمدن فلاسفه آتن به این مرکز بود. امپراتور روم ژوستی نیز در سال 529 م مدرسه آتن را تعطیل کرد و هفت تن از فلاسفه این مرکز به نامهای: 1- دمسیوس (camaskius) 2- سیمپلیکوس (simplikos) 3- پولامیوس فریجی (pulamius phrigien) 4-

پریسکیانوس لیدیانی (priskianos lydien) 5- هر میاس فنیقی (hermias)

6- phoinikion- دیو جانس فنیقی (diogenes phoinikien) 7- ایزیدور غزه‌ای

44 (isidoros ghazza) وارد ایران شدند.

انوشیروان به جهت علم دوستی علاقه زیادی به آموختن فلاسفه داشت چنانکه در نزد فیلسوف سوری به نام «اورانیوس» فلسفه آموخت. 45 اقامت این فلاسفه در ایران مدت زیادی طول نکشید، با معاهده صلح انوشیروان و امپراتور روم، مصونیت و آزادی آنها برای بازگشت تأمین گشت.

پیشرفتهای نجومی در عهد ساسانی یکی دیگر از نشانه‌های علمی دانشگاه گندی شاپور است. وجود تقویم و دقت در تعیین دقیق زمان برای انجام جشن‌ها و مراسم دینی ضرورت توجه به نجوم رایج‌تر می‌کرد. ایرانیان تجارت علمی را با دانش نجوم هندی و یونانی آمیختند و برآیند این تحول علمی در دوران اسلامی به رشد اعلی خود رسید و پایه‌های نجوم اسلامی را ایجاد کرد. ایرانیان در علم نجوم (که راجع به احوال مخصوص کواکب است) و علم تنجیم (که راجع به تأثیر کواکب در عالم است) صاحب استنباطات مخصوص به خود بودند. 46 صاعد اندلسی در طبقات الامم به پیشرفتهای ایرانیان در نجوم و علم تدبیرات آنها اشاره دارد و می‌نویسد که «ایرانیان راکتب مهم در احکام نجوم است» 47

از این کتابها می‌توان به وزیدگ 48 و دیگر ترجمه کتاب تنگلویش 49 اشاره کرد. اندرزگر پسر زادن فرخ نیز کتابی به نام «موالید» داشته که به وسیله مترجمان دوره اسلامی به عربی برگردانده شد. 50 زیج شهریاری به عنوان تألیفی در احکام نجوم از دیگر ویژگیهای رونق نجوم و تقویم در دانشگاه گندی شاپور می‌تواند به حساب آید. 51 چنان که گندی شاپور دانشکده‌ای برای نجوم داشت که رصدخانه‌ای در کنار آن بود. تحصیل ریاضیات فرع تحصیل نجوم به شمار می‌رفت. اهمیت علم نجوم در آثار معماری و ساخت بسیاری از چهارطاقی‌ها عهد ساسانی کاربرد داشته است. 52 پیشرفت علم نجوم و هیئت در نزد

ایرانیان تا آنجا پیش رفت که مسلمین به واسطه ایرانیها از کتابهای بسیار آنها استفاده کردند و خیلی اطلاعات نجومی ایرانیان و پیشرفت دانشگاه گندی شاپور دارد. در مجموع تحولات علمی گندی شاپور سبب شد تا کتابهای یونانی و هندی در دارالترجمه این دانشگاه به زبان پهلوی ترجمه شود. این کتب در دسترس استادان و دانشجویان قرار می‌گرفت و احتمالاً ثمره تلاش‌های علمی و دینی خودایرانیان بوده که بیشتر توسط موبدان و دانشمندان صورت می‌گرفته است. کتابهای علمی و پژوهشهای وسیع استادان گندی شاپور به منزله سرچشمه‌های جوشانی بود که بعدها در رشته‌های پزشکی، نجوم، ریاضی، حکمت، و موسیقی دانشمندان بسیاری راسیراب کرد. تردیدی نیست که انتقال علوم و معارف بشری به جهان اسلام به وسیله استادان و دانش‌آموختگان گندی شاپور و سایر دانشمندان ایرانی و سریانی صورت گرفت و آنها بودند که کتابهای علمی، تاریخی و غیره را به عربی ترجمه نمودند. 53

شهر گندی شاپور به دنبال حمله مسلمانان در سال 636 م / 18 هجری در زمان خلافت عمر تسلیم مسلمانان شد و چندان آسیبی به آن وارد نیامد. بیمارستان گندی شاپور و مدارس آن به فعالیت علمی خود تا قرن دوم هجری به ریاست خاندان بختیشوع ادامه دادند. 54 اگر چه در زمان خلافت امویان اشاره‌های مستقیمی به ارتباط خلفای اموی با پزشکان گندی شاپور نشده است، اما انتقال مرکز خلافت از شام به بغداد زمینه را برای ارتباط گسترده میان خلفای بغداد با دانشمندان گندی شاپور فراهم ساخت. از زمان خلافت منصور پزشکان گندی شاپور نقش و نفوذ مهمی در دربار خلافت عباسی پیدا کردند. عزیمت پزشکان معروف این مرکز به اجبار خلفا به بغداد اگر چه موجب رکود تدریجی و سرانجام تعطیلی مرکز علمی گندی شاپور شد اما این پیشینه فرهنگی بعدها در تأسیس بیمارستان عضدی و رشیدی و دیگر بیمارستانهایی که در بلاد اسلامی بنیاد گردید بسیار مؤثر بوده است. 55 این اندوخته فرهنگی بقای چندین قرن افکار و اندیشه‌های علمی و بالخصوص تجارب پزشکی این مرکز را برای عصر اسلامی به همراه داشت که میراثی جاودان برای فرهنگ و تمدن اسلامی به حساب می‌آید.

پی نوشت‌ها و یادداشت‌ها

- 1- ابن ندیم محمد بن اسحاق، کتاب الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، امیرکبیر، 1346، ص 437.
- 2- طبری، محمد بن جریر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1352، ج 2، ص 592. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1347، ج 1، ص 195.
- 3- مارکوارت، یوزف، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات، 1373، ص 64.
- 4- تاریخ یعقوبی، ص 195، پیکولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیانف ترجمه عنایت الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی، 1372، ص 234.
- 5- رجیبی، پرویز «کرتیر و سنگ نبشته او در کعبه زرتش» مجله بررسیهای تاریخی، شماره مخصوص سال ، 1350، ص 62.
- 6- تاریخ طبری، ص 592.
- 7- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعودرجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی ، 1368، ص 195.
- 8- اصفهانی، حمزه بن حسن، تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران ، 1364، ص 55 و 46.
- 9- اکبری ، امیر، تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان ، مشهد، محقق، 1382، ص 222.
- 10- پیکولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ص 445.
- 11- تاریخ یعقوبی، ص 195، مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، 1370، ج 1، ص 245.
- 12- مسعودی، مروج الذهب، ص 248.

- 13- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، 1367، ص 256.
- 14- ابن بلخی، فارسنامه، به اهتمام گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، 1363، ص 69.
- 15- پیکولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ص 352.
- 16- مروج الذهب، ص 254.
- 17- ابن قفطی، تاریخ الحکماء، به کوشش بهمن دارایی، تهران، دانشگاه تهران، 1371، ص 183.
- 18- مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه و تبلیغات شفیعی کدکنی، تهران، آگه، 1374، ج 1، ص 511.
- 19- صفاء، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، 1371، ص 183.
- 20- کسایی، نورا...، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، 1363، ص 22.
- 21- ممتحن، حسینعلی، نهضت علمی و ادبی ایران در روزگار خسروانوشیروان، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره یک، سال دهم، اردیبهشت 1354، ص 147.
- 22- ابن ندیم الفهرست، ص 536.
- 23- فرشاد، مهدیف تاریخ علم، تهران، امیرکبیر، 1346، ج 2، ص 804.
- 24- اولیری، دلیسی، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، جاویدان، 1342، ص 237.
- 25- همان کتاب، ص 17.
- 26- همایی، جلال الدین، تاریخ علوم اسلامی، تهران، هما، 1363، ص 29.
- 27- ممتحن، حسینعلی، سرگذشت گندی شاپور، اهواز، دانشگاه گندی شاپور، ص 37.
- 28- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، به کوشش ناهید فرشادمهر، تهران، نشر محمد، 1377، ص 613.

- 29- نصر، حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، خوارزمی، 1359، ص 178.
- 30- ابن مقفع، به نقل از اکبری، تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان، ص 194.
- 31- فردوسی شاهنامه فردوسی، ص 914.
- 32- عیسی بک، احمد، تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه نورا... کسایی، تهران، موسسه دانش و پژوهش، ص 55.
- 33- افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به خوزستان، تهران، هنر، 1366، ص 199.
- 34- بیانی، شیرین، هشت مقاله در زمینه تاریخ، تهران، توس، 1352، ص 66.
- 35- سارتن به نقل از محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در ایران اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، 1356، ص 284.
- 36- نجم آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران، تهران، دانشگاه تهران، 1371، جلد اول، ص 423.
- 37- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیر کبیر، 1367، ص 442.
- 38- نخعی، حسین، «گندی شاپور ساسانی» نامواره محمود افشار، تهران، موقوفات افشار، 1364، ج اول ص 279.
- 39- ابن طیفور، بغداد فی التاریخ الخلفه العباسیه، بغداد، مکتبه المثنی، 1388هـ، 1968م، ص 86.
- 40- محمدی، فرهنگ ایران پیش از اسلام، ص 280.
- 41- اکبری، تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان ص 181، کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص 443.
- 42- ابن قفطی، تاریخ الحکماء، ص 223.
- 43- همان کتاب، صص 185-184.

- 44- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص 445، اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ص 47.
- 45- نجم آبادی، تاریخ طب، ص 400.
- 46- اکبری، تاریخ اجتماعی ایرانیان در عصر ساسانیان، ص 185.
- 47- ممتحن، حسینعلی، «نهضت ملی و ادبی ایران در روزگار خسروانوشیروان» مجله بررسی‌های تاریخی شماره سال دهم، فروردین 1354، ص 155.
- 48- ابن ندیم، الفهرست، ص 328.
- 49- نالینو، کرولوفونسو، تاریخ نجوم اسلامیف ترجمه احمد آرام، تهران، بهمنی، 1349، ص 244.
- 50- فرشاد، تاریخ علم، ج 1، ص 172، نالینو، ص 244.
- 51- زییح شهریار توسط ابوالحسن علی بن زیاد تمیمی از پهلوی به عربی ترجمه شده و به واقع اثر عمده نجوم ساسانی همین زییح شاهی بوده است. راک آرام، احمد، تاریخ علم، تهران، سروش، 1368، ص 108.
- 52- مرادی عیث آبادی، رضا، نظام گاهشماری در چار تاقی های ایران، تهران، نگاران، 1380، ص 14.
- 53- آرام، تاریخ علم، ص 183.
- 54- ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الطباء به کوشش جهنم غضبان و محمودنجم آبادی، ج 1، تهران، دانشگاه تهران، 1349، ص 317.
- 55- کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص 170.